

چاد لینگوود

استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایالتی گرند ولی (Grand Valley State University)

مریم مشرف

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

سیاست، شعر و تصوف در ایران قرون وسطی

چشم اندازهای تازه‌ای بر سلامان و ابسال جامی

۱۴۱-۱۴۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده: در سال ۲۰۱۴ کتابی درباره جامی و شرایط سیاسی تاریخی عصر آق قویونلو در مجموعه مطالعات فرهنگ ایرانی بریل به چاپ رسید. این کتاب دربرگیرنده مطالعات آقای چاد لینگوود در قالب رساله دکتری ایشان روی منظومه سلمان و ابسال جامی است و نشان می دهد که سلمان و ابسال دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت سیاسی فرهنگی و سمت و سوی اخلاقی دربار آق قویونلو در دوره سلطان یعقوب بن اوزون حسن است. کتاب در یک مقدمه و پنج فصل به علاوه نتیجه گیری و دو پیوست تنظیم گردیده که یکی از پیوستها ترجمه متن سلمان و ابسال به انگلیسی است. کتاب مورد بحث را می توان از تحقیقات مهم جدید در حوزه فرهنگ و ادبیات قرن نهم به شمار آورد. بسیاری از منابع عصر آق قویونلو از قبیل گزارش های کارگزاران دربار، احکام سلطنتی، نامه های شخصی، تذکره های ادبی و سفرنامه های حج و اشعاری که برای یعقوب سروده شده، در این کتاب مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته است. علاوه بر این، دریچه ای است به روی بسیاری از تحقیقاتی که در دو دهه اخیر، در فضای علمی و دانشگاهی غرب صورت گرفته است. نگارنده نوشتار پیش رومی کوشد ضمن معرفی کتاب و بیان محتوای فصول آن، نظری نقادانه به ویژگی های ترجمه این اثر داشته باشد.

کلیدواژه: سیاست، شعر، تصوف، ایران قرون وسطی، جامی، منظومه سلمان و ابسال، تاریخ فرهنگی ایرانی، چاد لینگوود، فرهنگ ایران قرن نهم، ادبیات ایران قرن نهم، نقد ترجمه، معرفی کتاب، وضعیت سیاسی ایران، وضعیت فرهنگی ایران، ادبیات تعلیمی، آق قویونلو، مطالعات فرهنگ ایرانی.

Politics, Poetry and Sufism in Medieval Iran

By: Maryam Moshref

Abstract: In 2014, a book about Jamie and the historical political conditions of the Aq Quyunlu era was published in the Brill collection of Persian Cultural Studies. This book includes Chad Lingwood's studies in the form of his dissertation on Jāmi's *Salāmān va Absāl*. It indicates *Salāmān va Absāl* contains some valuable information regarding the cultural, political, and ethical condition in the court of Aq Quyunlu during the reign of Sultan Ya'qub ibn Ozon Hassan. The book consists of one introduction, five chapters, plus a conclusion and two attachments one of which is the translation of *Salāmān va Absāl* in English. It can be considered as an important new study in the area of ninth century literature and culture. Many of the sources of Aq Quyunlu age, such as court agents' reports, royal decrees, personal letters, literary Tadhkirah (memoir), and hajj travelogues, and the poems written for Ya'qub, have been considered and discussed in this book. In addition, it has opened a window to many of the research that has been conducted in the Western universities and academies in the past two decades. The author of this paper has tried to introduce the book, explain the content of its chapters, and finally have a critical look at the features of the translation of this work.

Key words: Politics, poetry, Sufism, medieval Iran, Jāmi, *Salāmān va Absāl*, Iranian cultural history, Chad Lingwood, the culture of ninth-century Iran, the literature of ninth-century Iran, translation review, book report, the political condition of Iran, the cultural condition of Iran, Didactic literature, Aq Quyunlu, Iranian culture studies.

السیاسة والشعر والتصوف في إيران القرون الوسطی

مریم مشرف

أصدرت مجموعة بريل للدراسات الثقافية الإيرانية في العام ۲۰۱۴ م كتاباً عن جامي والأوضاع السياسية والتاريخية في فترة حكم أسرة آق قویونلو.

والكتاب يتضمن تحقيقات السيد چاد لینگوود حول منظومة (سلمان وأبسال) للشاعر الإيراني جامي، والتي أجراها ضمن أطروحة لنيل درجة الدكتوراه.

وتشير النتائج التي توصل إليها لینگوود إلى أن هذه المنظومة تتضمن معلومات قيمة عن الأوضاع السياسية والثقافية والملاحم الثقافية لبلات آق قویونلو في فترة السلطان یعقوب بن اوزون حسن.

يشتمل الكتاب على مقدمة وخمسة فصول مع نتائج البحث وملحقين أحدهما يتضمن ترجمة منظومة (سلمان وأبسال) إلى اللغة الإنجليزية.

ويمكن اعتبار الكتاب المذكور واحداً من التحقيقات الجديدة المهمة في ميدان ثقافة وأداب القرن التاسع، حيث يجد القارئ فيه كثيراً من التحقيقات الدقيقة والمعلومات عن عصر آق قویونلو من قبيل تقارير موظفي البلاط والأحكام السلطانية والرسائل الشخصية والخواطر الأدبية ورحلات الحج والأشعار التي قيلت في حق السلطان یعقوب.

كما يمكن اعتباره نافذة يطل منها القارئ على الكثير من البحوث التي أجريت في العقدين الأخيرين في الأوساط العلمية والجامعية الغربية.

والكاتب في المقال الحالي يسعى ضمن تعريفه بالكتاب المذكور إلى استعراض محتويات فصوله المختلفة مع بيان ملاحظاته النقدية حول خصائص ترجمة هذا الكتاب.

المفردات الأساسية: السياسة، الشعر، التصوف، إيران القرون الوسطی، جامي، منظومة سلمان وأبسال، التاريخ الثقافي الإيراني، چاد لینگوود، ثقافة إيران في القرن التاسع، الآداب الإيرانية في القرن التاسع، نقد الترجمة، تعريف الكتاب، أوضاع إيران السياسية، أوضاع إيران الثقافية، النصوص التعليمية، آق قویونلو، البحوث الثقافية الإيرانية.

سیاست، شعر و تصوف در ایران قرون وسطی^۱

چاد لینگوود

مریم مشرف

چشم اندازهای تازه‌ای بر سلمان و ابسال جامی

از مجموعه مطالعات پیرامون
تاریخ فرهنگی ایرانی، جلد پنجم،
انتشارات بریل، ۲۰۱۴، زیر نظر
چارلز ملویل (دانشگاه کمبریج)
گابریل فاندن برگ (دانشگاه
لیدن) سونیل شرمه (دانشگاه
بوستن)

Lingwood, Chad G. *Politics, Poetry, and Sufism in Medieval Iran: New Perspectives on Jāmī's Salāmān va Absāl*. Leiden, Boston: Brill, 2014. Studies in Persian Cultural History, Vol. V. ISBN: 9789004254046

در سال ۲۰۱۴ کتاب ارزشمندی درباره‌ی جامی و شرایط سیاسی - تاریخی عصر آق قویونلو در مجموعه مطالعات فرهنگ ایرانی بریل به چاپ رسید. این کتاب که دربرگیرنده مطالعات آقای چاد لینگوود بر روی سلمان و ابسال جامی است نشان می‌دهد که سلمان و ابسال دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت سیاسی - فرهنگی و سمت و سوی اخلاقی دربار آق قویونلو در دوره سلطان یعقوب بن اوزون حسن است. کتاب در یک مقدمه و پنج فصل به علاوه نتیجه‌گیری و دو پیوست تنظیم شده که یکی از پیوست‌ها ترجمه متن سلمان و ابسال به انگلیسی است. در مقدمه کتاب نویسنده توضیح می‌دهد که برخلاف نظر بعضی محققان غربی که منظومه سلمان و ابسال را صرفاً رمانی عاشقانه و حتی سطحی دانسته‌اند، جامی با بهره‌گیری از سنت ادبیات تعلیمی و خرد اخلاقی، منظومه‌ای چندلایه را به وجود آورده است که آقای لینگوود می‌کوشد از ابعاد مختلف سیاسی - عرفانی آن پرده بردارد.

در خصوص بعد تمثیلی اثر، نویسنده بر آن است که طرح تمثیلی پیچیده منظومه در سه ساحت معنایی عمل می‌کند: ساحت سیاسی - اخلاقی، ساحت عرفانی و ساحت تاریخی. ایده مرکزی منظومه، مسئله حاکم عادل است. جامی در سلمان و ابسال این حدیث - البته غیرمستند - نبوی را پیگیری می‌کند که حاکم بی‌دین عادل بهتر از حاکم مسلمان ظالم است و این مفهوم دیرینه ایرانی که دین و دولت برادران دوقلو هستند، زیرلایه معنایی ساحت اخلاقی - سیاسی داستان را به وجود می‌آورد.

البته پیوند دین و سیاست و حمایت حاکمان از عالمان دین در تمام حکومت‌های ایران قرون وسطی رایج بوده است، ولی این اخوت دین و حکومت در عصر آق قویونلو شامل صوفیان نیز گردید. در این بعد تاریخی، منظومه دربرگیرنده اطلاعات مهمی درباره دربار آق قویونلو و حوادث مربوط به این حکومت است. از جمله مسئله شراب خواری یعقوب آق قویونلو و توبه آشکار وی از این امر است که در حضور عموم مردم صورت گرفت.

در فصل اول به همین مناسبت سیری براندرزنامه‌ها و ادب الملوک‌های کهن و ادوار بعد انجام شده تا روشن شود که اندیشه‌ای که انسان را عالم صغیر دانسته، چگونه در ادبیات تعلیمی فارسی به تدریج شکل گرفته است. در این اندیشه ادب الملوک و تعلیمی، پادشاه باید بیاموزد که با تحت فرمان عقل درآوردن قوای نفسانی خود در مقام ظل الله قرار گیرد که خود همین معنی، با اندیشه انسان کامل در تصوف نیز بی‌ارتباط نیست. در این زمینه به ویژه بر اخلاق جلالی جلال‌الدین دوانی (ف ۹۰۸) تأکید شده که ادب الملوک عصر

۱. کتاب حاضر رساله دکتری ایشان بوده که در سال ۲۰۰۹ از آن دفاع کرده است.

می‌دهند که همهٔ اولیاء و درویش جلوس اوزون حسن براریکه قدرت در شهر تبریز را پیش‌تر در خواب دیده‌اند. بسیاری از آنان در این دربار منصب‌های بالایی موروثی یافتند. از جمله می‌توان به ابراهیم گلشنی (ف ۹۴۰) اشاره کرده که مهرداد (توقیعی) حکومتی و قاضی القضاات اوزون حسن بود. بدرالدین احمد لالی بانی کبرویه آذربایجان نیز اعلام کرد که مراد از اولی الامر در آیه ۵۹:۴ اوزون حسن است. هر چند شاه نعمت‌الله ثانی را باید در این میان مستثنا دانست. در این مورد تحقیق مایکل پل کونل^۸ قابل توجه است. بنا بر تحقیقی که در منابع تاریخی انجام شده، اطرافیان اوزون حسن با ترغیب او به دعوت شیخ خلوتی دده عمرروشنی (ف ۸۹۲) احتمالاً قصد داشتند نمونه معتدل‌تری را پیش روی اوزون حسن که دل‌بستهٔ درویشی به نام تاج‌المجذوب (بابا عبدالرحمان شامی (ف قبل از ۸۹۶) بود قرار دهند که عادات صوفیانه خلاف هنجارش احتمالاً ناآرامی‌هایی را در فضای اجتماعی عصر ایجاد کرده بود. طبق تحقیق جان وودز، این شخص مجذوب مظهر آداب دینی غیرشهری روستایی و قبیله‌ای رایج در غرب ایران، شمال عراق و شرق آناتولی در نیمه دوم قرن نهم به شمار می‌آید. با وجود نفوذ خلوتی‌ها در تبریز، نفوذ شخصیت‌های نقشبندیه یعنی شخصیت‌هایی چون درویش قاسم و شهیدی قمی و صنع‌الله کوزه‌کنانی در دربار اوزون حسن و یعقوب انکارناپذیر است.

هر چند در دورهٔ یعقوب عمرروشنایی را به جرم «فصوصی» بودن محاکمه کردند، این نیز تا اندازه‌ای به سبب اختلاف منافع بود که علمای شهر را از نفوذ او خشمگین می‌کرد. آنچه مسلم است نفوذ اندیشه‌های صوفیه در دربار آق‌قویونلو و یعقوب است که در نامه‌نگاری‌های جامی و یعقوب به یکدیگر منعکس است و نشان می‌دهد که یعقوب تا چه اندازه جامی را تکریم می‌کرد. وی در این نامه‌ها از اشتیاق خود به هدایت صوفیانه سخن می‌گوید. مسئله ربط قلبی مرید با شیخ که از اصول تصوف نقش‌بندی است، در این نامه‌ها برجسته است و در منظومهٔ سلمان و اقبال نیز انعکاس دارد. اصطلاحات نقش‌بندی مانند ذکر خفی، ربط قلبی سالک به شیخ و عزم شیخ یا همت در این منظومه بسامد بالایی دارد. با توجه به پیوند جامی با فرقهٔ نقش‌بندی و اینکه بسیاری از شاهزادگان تیموری را او به وادی نقشبندیه کشانیده، می‌توان تصور کرد که جامی قصد داشته اصول اولیهٔ مکتب نقش‌بندی را به یعقوب معرفی کند و در این حالت جامی در نقش شیخ یعقوب ظاهر می‌شود.

آق‌قویونلو است و خود بر پایهٔ اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی بنا شده است، ولی از لحاظ تکیه بر همراهی درویشان در امر پادشاهی و تمسک جستن به آنان از دیگر کتب ادب الملوک متمایز است. لینگوود می‌خواهد در تلفیق این دو فکر؛ یعنی سنت ادب الملوکی در کنار تربیت صوفیانهٔ پادشاه این نظر را اثبات کند که منظومهٔ سلمان و اقبال نوعی ادب الملوک عصر آق‌قویونلو است. هر چند پیش‌تر شماری از پژوهشگران غربی به بحث در فضای فکری - دینی و سیاسی عصر آق‌قویونلو پرداخته‌اند که از آن میان می‌توان به مینورسکی، رومر، آتوبین و جان وودز اشاره کرد، ولی از نظر لینگوود این عده در ارائهٔ تصویر عمیقی از ابعاد مختلف این منظومه توفیقی نداشته‌اند. نویسنده ضمن بررسی پیشینه‌های داستان سلمان و اقبال ما را به سراغ کتاب‌های اشارات و التنبیهاات ابن سینا می‌برد که صورتی از داستان در کنار دو قصهٔ تمثیلی دیگر در آن آمده و هر چند اصل آن به دست ما نرسیده، ولی بر اساس منابع تفسیر موجود به گوشه‌هایی از آن دسترسی یافته‌ایم.

در فصل دوم سنت ادب الملوکی و ارتباط آن با دلالت‌های پیر در اعتقادات صوفیه و آثار مرتبط با این دو نوع ادبی معرفی شده است. جامی چهار خصلت را بر شمرده که بنای پادشاهی بر آن استوار می‌گردد: حکمت، عفت، شجاعت و جود. چنین ساختار چهاررکنی در نشاط الملوک غزالی و اخلاق ناصری نیز دیده می‌شود و لینگوود این فرض را مطرح می‌کند که با در نظر گرفتن توجه فوق‌العادهٔ جامی به انصاری این احتمال مطرح می‌شود که جامی بخش‌هایی از روایت تمثیلی خود را از انصاری اقتباس کرده باشد. در اینجا زمینه‌های تفکر سیاسی در سلسله‌های صوفیانه بررسی می‌شود که پیش‌تر اندیشمندانی چون آن لمبتون،^۲ لئونارد لوئیس،^۳ لاورنس پاتر،^۴ یورگن پاول^۵ و امید صفی^۶ تحقیقاتی دربارهٔ آن انجام داده بودند. به‌ویژه باید از مطالعات جان وودز^۷ در باب نفوذ خلوتیه در دستگاه سیاسی آق‌قویونلو در شهر تبریز یاد کرد. از این‌رو در فصل سوم به اهمیت صوفیه و درویش در مشروعیت‌بخشی به سلسلهٔ آق‌قویونلو پرداخته شده است. گزارش‌های تاریخی، همراهی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف صوفیه را با سیستم سیاسی آق‌قویونلو تأیید می‌کند. طاهری اصفهانی در کتاب دیار بکریه و کربلایی تبریزی در روضات الجنان گزارش

2. Ann Lambton

3. Leonard Lewisohn

4. Lawrence Potter

5. Jurgen Paul

6. Omid Safi

7. John Woods

8. Paul Michael Connell

چنانکه می‌دانیم جامی در آن هنگام از دربار آق قویونلو دور بود و در هرات می‌زیست، ولی دور بودن او از دربار دلیل نمی‌شود که او در جریان‌های فکری پایتخت بدون تأثیر بوده باشد و این به سبب اندیشه‌نقش‌بندی در مورد نفوذ همت شیخ در مریدان خویش حتی از راه دور و بدون حضور فیزیکی است که نقشبندی به آن عقیده داشتند.

از این رو معنای مصطلحات و اندیشه‌های بیان شده در مثنوی سلیمان و ابدال از نظر حاکمان و مخاطبان آق قویونلو دور نبوده است و چه بسا با هدف کمک به تلاش‌های نقش‌بندی‌های محلی به منظور گرم‌تر کردن رابطه‌شان با دربار تفسیر شده باشد. بنابراین به نظر می‌رسد خنثی دانستن اثر نقشبندی در حوادث سیاسی دربار آق قویونلو که عده‌ای پیش‌تر مطرح می‌کردند، دیگر چندان نظر معتبری نیست و به طور کلی نفوذ و تأثیر صوفیه در سیاست‌گذاری‌های دربار آق قویونلو باید به طور وسیع بررسی شود. نویسنده این فرض را مطرح می‌کند که جامی در نظر داشته که نقش شیخ را برای یعقوب ایفا کند و اگرچه محل سکونت وی (هرات) از دربار آق قویونلو در تبریز دور بود، در نظر داشت افکار نقش‌بندی را در ذهن یعقوب تقویت کند.

آنچه آقای لینگوود قصد دارد به آن برسد از یک سورپیشه در سنت‌های پیش از اسلام ایران، اندر زمانه‌های کهن و ادبیات تعلیمی دوران اسلامی دارد و از سوی دیگر ریشه در افکار صوفیه و نقشبندی عصر. شاید درهم‌تنیدگی این مسائل موجب شده که نتواند مرزبندی دقیقی میان این موضوعات پدید آورد و در حقیقت در سه فصل اول کتاب با این درهم‌تنیدگی و حتی گاه تکرار و بازگشت به موضوعاتی که پیش‌تر گفته شده و بسط بیشتر آنها روبه‌رو می‌شویم، اما فصل چهارم برای خود موضوع مستقلی دارد و از این رو تا اندازه‌ای از فصل‌های پیشین ممتاز می‌شود. در این فصل فضای ادبی حاکم بر دربار یعقوب و گرایش‌های ادبی خود وی و وزیرش قاضی عیسی ساوجی بررسی شده است. پس از آنکه در سال ۸۹۱ یعقوب فرمان قتل درویش قاسم نقش‌بندی را داد، درباریان وی در تبریز ضرورت تلطیف روحیه تندمزاج او را احساس کردند. مثنوی سلیمان و ابدال نیز از همین چشم‌انداز، یعنی به عنوان نوعی ادب الملوک چندلایه که ابعاد سیاسی و تاریخی نیز در آن لحاظ شده است، در دربار مطرح بود. به هر حال در این محفل ادبی شاعران بزرگی چون اهللی شیرازی، کمال‌الدین بنایی هروی، شهیدی قمی و بابا فغانی حضور داشتند و به سرودن

قصیده و غزل و مثنوی و تقدیم آن به یعقوب مشغول بودند. اهللی علاوه بر دیوان اشعار، تاریخ آق قویونلو را نیز به تحریر درآورد. در این آثار ادبی موضوعات و درگیری‌های خانوادگی داخل دربار از جمله شورش و مرگ برادر یعقوب (ف ۸۸۳) انعکاس یافته و خود منبع مهمی در تحقیقات تاریخی عصر محسوب می‌شود. مسئله دیگر نفوذ افکار صوفیانه در این شاعران است. تنی چند از شاعران دربار یعقوب صوفی مسلک بودند؛ از جمله بنایی هروی سراینده مثنوی ۵۰۰۰ بیتي بهرام و بهروز پیرو شمس‌الدین محمد لاهیجی پیشوای نوربخشیه شیراز (ف ۹۲۲) بود که شاخه شیعی کبرویه محسوب می‌شدند. بنایی که پیش‌تر در حوزه ادبی هرات فعالیت می‌کرد، به سبب اختلاف با امیر علی شیرنوی به ناچار آنجا را ترک گفت و به تبریز آمد. از دیگر شاعران این دربار شهیدی قمی است که ملک‌الشعرای یعقوب شد. هر چند نوایی او را نیز دیوانه خوانده و از خود رانده بود، ولی در هشت بهشت قزوینی که از منابع مهم در شناخت شاعران کمتر معروف این دوران است، این دیدگاه تا اندازه‌ای جبران شده است. به تحقیق شهیدی قمی خود شاگرد جامی و صوفی نقش‌بندی بوده است و لینگوود این فرض را مطرح می‌کند که این شاعر چه بسا که در انتقال پیام عرفانی منظومه جامی به درباریان آق قویونلو نقشی مؤثر داشته است. حتی بابا فغانی نیز که بعد از راه یافتن به دربار یعقوب دوران اوج شاعری‌اش فرارسید، به باور عده‌ای از تذکره‌نویسان متأخر تا پیش از آمدن به تبریز در خدمت جامی تلمذ می‌کرده، هر چند تذکره‌های کهن در این خصوص ساکت‌اند، اما مهم‌ترین و معتبرترین شاعران در دید سلطان آق قویونلو همانا جامی بود. بنا بر آنچه در عالم آرای امینی آمده یعقوب امیدوار بود به برکت «همت» جامی به ملک دنیوی عظیم دست یابد. حتی یک بار شخصی را با ده هزار سکه دینار شاهرخی به عنوان هدیه به نزد جامی در هرات فرستاد. با این همه در کتاب خنجی ذکری از منظومه سلیمان و ابدال نرفته است؛ زیرا به احتمال تاریخ سرایش آن دیرتر بوده است. تنها منبعی که در آن زمان از این منظومه در آن نام برده شده، نامه‌ای از یعقوب به جامی است که در آن نامه یعقوب این منظومه را می‌ستاید و ضمن اشاره به کنایات سیاسی و اخلاقی آن اظهار امیدواری می‌کند که لالی و عطفش فتوحات بسیار برای وی به ارمغان آورد. قابل توجه است که خواهرزاده جامی، عبدالله هاتفی (ف ۹۲۷) نیز پنج سالی در دربار یعقوب حضور داشت و چه بسا که جامی را در هرات از اوضاع داخلی دربار آگاهانیده باشد.

از مقالات و منابع مهمی که در خصوص شاعران این عصر و فرقه

از سوی دیگر لینگوود، ابن عربی و افکار عرفانی او را به ویژه در موضوع عشق پررنگ کرده است. باید یادآوری شود که هر چند تأثیرپذیری جامی از ابن عربی امری طبیعی است، این امر را در مورد مولانا نمی‌توان مسلم فرض کرد و تحقیقات پیشین به ویژه ویلیام چیتیک نشان می‌دهد که بسیاری از افکار توحیدی عرفانی قرن‌ها قبل از ابن عربی در ذات عرفان ایرانی وجود داشته است. این فصل با تفسیر و تحلیلی از منظومه همراه است که در نوع خود جالب و خواندنی است و نکات دقیقی را مورد توجه قرار می‌دهد. برای مثال در بیت ۱۰۱۷:

حسن باقی دید و از فانی برید
عیش باقی را ز فانی برگزید^۹

این بیت را دلالتی بر تجربه شهودی سلامان دانسته که با تجلی صفت باقی که یکی از ۹۹ اسم است، به مرتبه انسان کامل یا خلیفه الهی دست می‌یابد.

بر خلاف کربن که تفسیری صرفاً عرفانی از منظومه دارد، نویسنده چنین دیدگاهی را محدود می‌داند و قائل به وجود لایه‌های تاریخی در این نوع تمثیل است. در اینجا به طرح نظریه هایدن وایت در مورد این نوع از ادب تمثیلی و نقد آن پرداخته است. هایدن وایت پیش‌تر منظومه‌های تمثیلی از این دست را به سبب بیان انتزاعی فاقد ارزش تاریخی معرفی کرده بود، نویسنده عقیده دارد که دقیقاً همین زبان مجازی اثر است که به آن امکان طرح و اشاره به بسیاری از امور تاریخی را می‌دهد که به زبان صریح بیان آن ناممکن بود، اما این بار معنایی در لایه‌های زیرین اثر پنهان است و تنها بر خود سلطان و خواص دربار او فاش می‌شود. شخصیت ابدال که رمز تن شهوت پرست یعقوب است، دلالت دارد بر نحوه زندگی غرق در لهو و لعب او و سلامان نماد صفات من برتر اوست. شاه و حکیم که با رمز عقل فعلاً یا فائض علوی باز نمایانده شده‌اند، مثل اعلای پادشاهی انسان کامل‌اند که دلالت دارد بر وجود تاریخی عیسی ساوجی وزیر و تجلی زهره در دل ابدال مثال ربط قلبی مرید با شیخ است و بر وفق طریقت نقش بندی و اصولی که بدان اعتقاد دارند. در این حالت شیخ با تثبیت معنوی صورت خود در دل مرید هدایت او را بر عهده می‌گیرد و مسیر معنوی او را به طور دائم در نظر دارد.

نظری به ویژگی‌های ترجمه

لینگوود در ترجمه این اثر بسیار با احتیاط و دقیق عمل کرده است

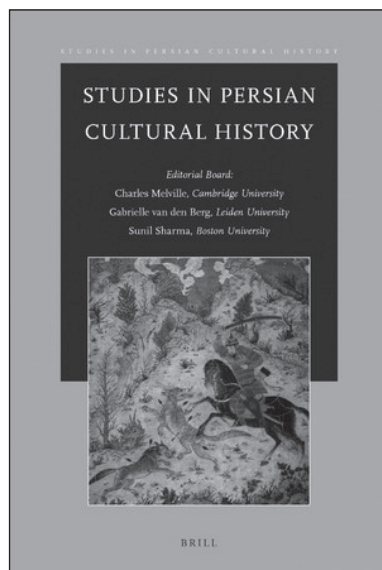
نقشبندی در تحولات دربار بدان‌ها مراجعه شده، غیر کتاب‌های تاریخی چون عالم‌آرای امینی و تذکره‌ها و منابع کهن می‌توان به مقاله مهم دکتر زرین کوب درباره لاهیجی، شمس‌الدین محمد بن یحیی گیلانی و نیز شماری از اسناد تاریخی مثل اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از عبدالحسین نوایی اشاره کرد. همچنین تحقیقات شهزاد بشیر، حامد الگر، لوزنسکی^۹ و ماریا سابتلنی^{۱۰} می‌تواند برای محققان ایرانی جالب توجه باشد.

نفوذ شعر در دربار آق قویونلو امر پوشیده‌ای نیست. به گزارش گازرگاهی یعقوب خود نیز شعر می‌سرود. گازرگاهی به احوال شیفته‌وار و آشفته یعقوب به ویژه بعد از مرگ مادر و برادر جوانش اشاره دارد. همچنین قاضی عیسی ساوجی که فخری هروی در ترجمه فارسی مجالس النفایس او را سوداوی مزاج خوانده، بسیار دل سپرده شعر و شاعری بود و در خبر است که روزی ده غزل می‌سرود، به گونه‌ای که درباریان از شدت توجه او به کار شعر که موجب غفلت از امور دولتی می‌شد، به تنگ آمده بودند. ماجرای عشق و ازدواج این وزیر با همشیره سلطان نیز که با مخالفت‌های جدی درباریان و به ویژه مادر شاه روبه‌رو بود و در عالم‌آرای امینی و مناقب ابراهیم گلشنی هم به آن اشاره شده، برایش رنج بسیار به ارمغان آورد که در سروده‌های او نیز بازتاب دارد و نویسنده کوشیده با بررسی اشعار عیسی ساوجی این بازتاب را نشان بدهد. به تعبیر آقای لینگوود رابطه خلاف عرف و شرع سلامان با دایه خود ابدال، غیر مستقیم اشاره‌ای به این عشق جنجالی درباری که خلاف قوانین ترکمان شمرده می‌شد نیز هست. در این قسمت به بهانه ذکر عیسی ساوجی تحقیق جالبی در اصلاحات اقتصادی او در امور حکومتی و مسائل مربوط به سیورغال و نیز شماری دیگر از آداب درباری آق قویونلو انجام گرفته که در جای خود ارزشمند است.

فصل پنجم نوعی بررسی متنی و تطبیقی میان داستان شاه و کنیزک مولانا جلال‌الدین مولوی و سلامان و ابدال جامی است. در این فصل نویسنده این فرض را دنبال می‌کند که جامی سعی کرده مثنوی مولانا را سرمشق خود قرار دهد. در محتوا و مضمون، هر دو منظومه با بیانی تمثیلی شرح سفری روحانی از مبدأ نفسانی است که به کمک پیرانجام می‌گیرد تا نفس بر عیوب خود آگاه و بر آنها چیره شود. حتی شخصیت‌های دو داستان تا حدی بر هم منطبق هستند. شاه، کنیزک، زرگر و طبیب الهی در مثنوی معادل شاه، سلامان، ابدال و حکیم در منظومه جامی است.

9. Losensky

10. Maria Subtelny



و می توان گفت بیشتر بر الفاظ تکیه داشته که البته درست ترین روش برای دستیابی به متنی دقیق است. در این شیوه مترجم تا حد امکان برداشت های شخصی را در انتخاب معادل ها دخالت نمی دهد و با توجه به اینکه متن ادبی است، رعایت این چنین اصلی در تمام موارد بسیار دشوار است؛ زیرا مقابله با وسوسه ذوق در دخالت دادن برداشت مترجم و تلطیف الفاظ برای خواننده زبان مقصد را همه کس بر نمی تابد، ولی آقای لینگوود کوشیده است که تا حد ممکن پا از دایره لفظ بیرون نهد و حتی در ترجمه صور خیال که از مشکل ترین جنبه های ترجمه شعراست، و به میزان بسیار زیادی فهم درست اشعار موکول می شود به میزان توانایی خواننده در برگرداندن کنایات و استعارات به مفاهیم ملموس در زبان مقصد، باز هم از این اصل خود برنگشته است. مترجم با اعتماد به خواننده متن انگلیسی، صور خیال را نیز تقریباً کلمه به کلمه ترجمه کرده یا نزدیک ترین صورت به کلمات را برگزیده است. برای مثال در بخشی از منظومه، جامی به مناسبت یادکرد توبه یعقوب از می خوارگی ایباتی دارد که در ضمن آنها با استفاده از زبان مجازی حال سبو و جام را در بی توجهی یعقوب به می خوارگی بیان کرده است:

جام می با آن همه آب طرب ماند دور از مجلس او خشک لب
 خم گرفته - معده خالی از حرام - گوشه ای چون زاهدان نیکنام
 گشته محروم از حریم بزم او دستی اندر سربه صد حسرت سبو^{۱۳}

ترجمه این ابیات را در زیر می آوریم:

The wine cup, with all that water of joy,
 Has remained dry lipped and far from his audiences.
 The wine jug, its belly void of that which is forbidden
 betakes itself onto a corner, just like ascetics of good repute
 Having been excluded from inner sanctuary of his banquets
 The pitcher with its head in its hands, heaven hundreds of dry "alas-e"
 Even though the flagon once raised its head for him
 It has been forsaken, on account of his repentance, its hand on its neck¹³

مترجم به فراخور مطلب گاه توضیحات مفیدی هم در پانویست آورده برای مثال در بیت:

آن معبر گفت با مسکین به طنز کای گران مایه به گنج کُنت کنز^{۱۴}

مترجم در پانویست آورده که اشاره ای است به حدیث «کنت کنزاً مخفیاً»^{۱۵}.

با این همه گاه مترجم برای روشن تر شدن موضوع کلمه ای به متن افزوده است. برای مثال در وصف ابروی ابدال که جامی گوید:

بود روشن جبهه اش آینه رنگ ابروی زنگاریش بروی چوزنگ

۱۲. جامی، ص ۴۰۱، ابیات ۲۰۱-۲۰۳

13. P.179

۱۴. ص ۴۰۴، بیت ۲۶۹

15. P.183

سقف دهان palate آورده است که آن معنای ضمنی بوسیدن از بین می‌رود و کمی نامفهوم هم هست. همچنین در بیت بعد برای چاه زرخدان که گودی چانه است، در ترجمه انگلیسی از لفظ well استفاده شده که مناسب این معنی نیست.^{۲۱}

From her lips, the palate drew nothing but sugar,
Which of those was her lips and which was sugar?
From the well of her chin, a sprinkling emanated
And hung from a dimple²³

در صفت چوگان باختن سلامان و ترجمه ابیات:

گوی بردی از همه با صد شتاب / گوی مه بود و سلامان آفتاب
با هلال صولجان دنبال ماه / حال گویان می شدی تا حالگاه

در ترجمه این بیت هلال صولجان را crescent mallets ترجمه کرده است که جنبه تشبیهی آن محوشده است. از سوی دیگر کلمه «حال» که از اصطلاحات چوگان است و ایهام دارد، بدون توضیح آوانگاری شده و شاید به همین سبب لطف کلام زایل گردیده است؛ چون در متن انگلیسی نامفهوم است. در این بیت مترجم ضبط نسخه بدل هلال صولجان را برگزیده است، ولی متن فارسی هلالی است: (چاپ میراث، بیت ۵۲۱) گویانکه به این صورت هم معنی غلط نیست.

یادآوری این موارد صرفاً به منظور آشنایی بیشتر با نحوه کار مترجم و توجه دادن به دشواری‌هایی است که در چنین کاری وجود دارد. هیچ کس نمی‌تواند منکر دشواری ترجمه چنین متنی به زبانی دیگر شود، سوای اینکه اساساً ترجمه شعرا مرئی نزدیک به ناممکن است. باید اذعان کرد که آقای لینگوود با نهایت دقت و امانت و مسئولانه این مهم را به انجام رسانده است. در مجموع کتاب یادشده را می‌توان از تحقیقات مهم جدید در حوزه فرهنگ و ادبیات قرن نهم به شمار آورد. بسیاری از منابع عصر آق قویونلو از قبیل گزارش‌های کارگزاران دربار، احکام سلطنتی، نامه‌های شخصی، تذکره‌های ادبی و سفرنامه‌های حج و اشعاری که برای یعقوب سروده شده در این کتاب بررسی و بحث شده است. علاوه بر این، دریچه‌ای است به روی بسیاری از تحقیقاتی که در دو دهه اخیر در فضای علمی و دانشگاهی غرب صورت گرفته است و جای آن دارد که در مطالعات مربوط به این حوزه فرهنگی بدان‌ها توجه شود.

۲۲. ص ۴۱۲، ابیات ۴۲۲-۴۲۳

23. P. 193

چون زدوده زنگ از او آینه‌وار / شکل نونی مانده از وی برکنار^{۱۶}
مصراع آخر اشاره به ابروی هلالی ابرسال است که به حرف نون تشبیه شده، در اینجا مترجم کلمه نون را «نون وارونه» آورده؛ یعنی برای مفهوم ترشدن معنای «نون» کلمه وارونه را بدان افزوده و در انگلیسی آورده:

When, mirror – like, its smoky-j hue was polished,
The shape of an *upturned letter nun* lingered¹⁷

با این همه دقت و نازک‌کاری گاه در ترجمه کلمه یا عبارتی سهوی نیز بر قلم رفته است که به تعدادی از آن اشاره می‌کنیم:

در آن قسمت از منظومه که جامی براهمیت اراده الهی در پذیرش توبه می‌گوید: «ور نیاید سازگار او قضا / خوش نباشد جز به حکم او رضا» عبارت خوش نباشد را به there is no happiness^{۱۸} برگردانده که نادرست است؛ زیرا خوش نبودن در اینجا به معنای ناپسند بودن است و کاری به امر شادی و خوشی ندارد.

مصراع «گرچه افتادی به گل در گل مخسب» (بیت ۲۳۴) تکرار کلمه گل در کلام جامی تأکیدی بر معنای گرفتار شدن است. مترجم در ترجمه کلمه «گل» از دو کلمه استفاده کرده که تکرار را از بین برده و توجیه روشنی ندارد.

Though you fell into mire, do not sleep in the muck¹⁹

در ترجمه این بیت: «غیر این معنی نگشتی در دلم / کز نشاط می دل خود بگسلم»^{۲۰} ادات حصر فقط یکی است (غیر)، اما در ترجمه سه عبارت برای آورده که حشو است و نیازی نبود:

Apart from this, no other deore comes into my heart
except that I should wash my heart of the joy of phenomenal wine²¹

جامی در توصیف زیبایی‌های ابرسال آورده: «از لب او جز شکر نگرفته کام» که توصیف لبان ابرسال است که تا کنون کسی آن را نبوسیده به غیر از شکر که همواره بر لب معشوق است. در اینجا کام گرفتن یعنی بهره‌مند شدن که البته ایهام تناسبی هم به کار رفته میان لب و کام. در ترجمه انگلیسی، کام را در معنای لغوی

۱۶. بیت ۴۱۴-۴۱۵ ص ۴۱۲

17. P.193

18. P.181

19. P.181

۲۰. بیت ۲۴۳، ص ۴۰۳

21. P.182